ادامه از صفحه اول

شگفتی‌های انتخابات ۱۴۰۰

ورود مقامات قضائی به انتخابات با هشدارهایی که بـرای اولین‌بـار در انتخابات ریاسـت‌جمهوری مطرح می‌شـود، پدیده نادر و شگفتی‌ساز دیگر این دوره از انتخابات اسـت. مناظره‌هـای انتخاباتی در سال‌های گذشـته بیشـترین جذابیت را در انتخاب احسـن نزد رأی‌دهنـدگان داشـت. از برخی موارد اتهامات (مانند آنچه در سـال ۱۳۸۸ شاهد بودیم) بگذریـم، مناظره‌ها فرصتی برای بیان واقعیت‌هایی است که با وجود انکار دست‌اندرکاران، نقل محافل مـردم در کوچه و خیابان و مدرسـه و دانشـگاه و ادارات اسـت. از منظـر امنیتی نیز بـا وجود ورود برخـی کاندیدها به خطوط به‌اصطـلاح قرمز برای کسب رأی بیشتر (که در انتخابات دیگر کشورها هم مرسـوم است) شـنیدن واقعیت‌های کشور از زبان کسـانی که به «ناگفته‌ها» دسترسی دارند، علاوه بر جذابیت، سـوپاپ اطمینان تخلیه فشارهایی است که ممکن اسـت در فقدان آن آفاتی را در پی داشته باشد؛ اما در پدیده‌ای کاملا بدیع دادستان عمومی و انقلاب تهران هشدار داده که «نامزدهای انتخاباتی در تبلیغات و سخنرانی‌ها از خطوط قرمز نظام عبور نکننـد... و در صـورت عبور از خطـوط قرمز نظام، وفق موازین قانونی قاطعانـه و بدون درنظرگرفتن موقعیـت و جایـگاه، با آنها برخورد خواهد شـد». جالب اسـت که آقای دادسـتان در جایگاه شورای عالی امنیـت ملی با وصل‌کردن اظهارات کاندیداها به «منافع ملی» تشـخیص مغایـرت آن را به خود و دسـتگاه تحت امـرش ارجاع داده اسـت. طرفه آنکه تاکنون کسی در برابر ساختارشکنی و اظهارات رئیس‌جمهور سابق که تمام ارکان کشور را زیر سؤال برده و تهدید به تحریم انتخابات کرده سخنی نگفته. شـگفت‌انگیزتر از همـه این مـوارد ورود نظامیان این بار نه در کسـوت کاندیـدای انتخابات بلکه در تحلیل مشـکلات کشور اسـت. رئیس پلیس کشور در اظهاراتی در جلسـه ویژه مسـئولان هیئت‌های مذهبی و مداحان با ورود بـه انتخابات ۱۴۰۰ علت مشکلات کشور را «انتخاب نادرست مردم» بیان کرد کـه باید آن را پدیده‌ای نـادر و مغایر با حق مصرح در قوانین بالادسـتی کشـور و نافی حقوق مردم در انتخـاب آزادانه ارزیابی کـرد. البته بایـد از جناب اشتری تشـکر و قدردانی کرد که برخلاف اظهارات پیش‌گفته سخنگوی شـورای نگهبان و نایب‌رئیس مجلس شـورای اسـلامی، در راسـتای مشـارکت حداکثری و اهمیت آن در «مشروعیت و مقبولیت» نظام، با تأکید به حضور پرشـور مـردم در انتخابات بـه مداحان گفته «از آبرویی کـه حضرت اباعبدالله به شـما داده اسـت اسـتفاده کنید و همـه را پای صنـدوق رأی بیاورید، هر کسـی را هم می‌خواهید، آزاد هسـتید که انتخاب کنید». پدیده شـگفت‌انگیز دیگـر در انتخابـات ۱۴۰۰ تأکیـد اختصـاص تقریبا صددرصدی هر هفت کاندیدا بر مسـئله «اقتصاد» و البته وعده‌های آنان بر پشت‌سرگذاشـتن شـرایط بسیار بد اقتصاد کشور و به تبع آن «معیشت مردم» و سفره‌هایی اسـت که در پرتو آن هر روز کوچک و کوچک‌تر می‌شـود. به نظرم باید مسئولانی که برای کاندیداها در عبور از خطوط قرمز نظام خط‌ونشـان می‌کشند، به «انتظارآفرینی» نزد مردم با وعده‌هایی کـه تحقق آنها در صـورت اسـتمرار تحریم‌ها اگر محال نباشـد و فقط در صـورت معجزه امکان‌پذیر اسـت، ورود کننـد و از کاندیداهـا سـؤال کنند با اسـتفاده از کدام منابع، یارانه یا کمک‌های چند صد هزارتومانـی ماهانه یا وام چند صـد میلیونی را به مردم و متقاضیان خواهند داد. به‌عنوان فردی که به کشور و نظام سیاسی علاقه‌مند و نسبت به آینده آن نگران است، به کاندیداها توصیه می‌کنم با پرهیز از وعده‌های انتظارآفرین که در شـرایط کنونی به‌مثابه «چاشـنی‌های آماده انفجار» است، اولا برنامه‌های روشـن خـود در حوزه‌های ترمیم شـکاف دولت- ملت، رفع تحریم‌های فلج‌کننده و برنامه سیاسـت خارجی خود را که ارتباطی تنگاتنگ و انکارنشـدنی بـا اقتصاد و امنیـت دارد، به مـردم توضیح دهند؛ زیـرا ضروری اسـت اولویـت دولت آینـده و حتی سایر قوای کشور بر بازسـازی اعتماد مردم به نظام سیاسی و ترمیم شـکاف‌های موجود متمرکز شود. محور اصلی وصول به این هدف در نگاه مسـئولان کشور بهبود وضع معیشت مردم، کاهش نرخ تورم، کاهش بی‌کاری به‌ویژه در میان اقشار تحصیل‌کرده و اقداماتی از این قبیل است. به باور نگارنده این امر بدون تغییر در روش اداره کشـور و ایجاد اصلاحات عمیق در راهبردهای سیاست داخلی، شفاف‌سازی حکمرانـی، مبارزه جدی با فسـاد سـازمان‌یافته و افسارگسیخته سـاختاری راه به جایی نخواهد برد. تحقـق این اصلاحـات نیازمنـد اراده‌ای نیرومند و بهره‌گیری از تجربه کشـورهایی است که در جهان آن را بـه کار بسـته و نتیجه گرفته‌انـد. ثانیا برنامه روشـن سیاست خارجی خود و نقش انکارناپذیر آن در برون‌رفت از شـرایط کنونی کشـور و قرارگرفتن قطار اقتصاد در مسیر رشد و توسعه را بیان کنند. به جرئت می‌توان ادعا کرد کشـوری را در جهان سراغ نداریم که با تشنج و تقابل در مناسبات خود با جهان در مسیر پیشرفت و توسـعه قرار گرفته باشد. چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان ما که اتفاقا حزب کمونیسـت در آنجا حاکم اسـت، سیاست خارجی خود را به طور کامل با اقتصاد و توسعه کشور پیوند زده و از هرگونه تنـش و درگیری غیرضروری پرهیز می‌کنـد. در راهبرد چین هرگونـه تنش در روابط با کشورها به شمول آمریکا کنار گذاشته شده است.

ادامه در صفحه ۴

انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۶۸ و ۷۲ چگونه برگزار شد

هاشمی به دنبال رقیب انتخاباتی

علی ایوبی: مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی، دو بار ردای ریاست دولت را بر تن کرد و دو بار نیز شانس خود را برای بازگشت دوباره به پاستور امتحان کرده بود. او در انتخابات سال ۸۴ در دور دوم انتخابات از رقیب شکست خورد و در سال ۹۲، شورای نگهبان او را از حضور در این رقابت منع کرد. اما داستان دو انتخاباتی که هاشمی را به ریاست‌جمهوری رساند، داستان دیگری است؛ انتخاباتی که آیت‌الله خـود را کاندیدایی بـدون رقیب می‌دید اما اطرافیان را به حضور دعوت می‌کرد تا مشارکت بالا برود. مرور خاطرات مرحوم هاشـمی درباره این دو انتخابات، فضای کلی آن روزها را به خوبی نشان می‌دهد.

سال ۶۸، سالی بدون رقیب

دو ماه بعد از درگذشـت امام خمینی (ره)، مرحوم آیـت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی کـه ریاسـت مجلس را برعهده داشت، خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آماده می‌کرد. او کار چندان سختی برای رفتن به پاستور نداشـت و نشـانه های آن در خاطرات سال ۶۸ او دیده می‌شـود. هاشـمی در خاطره روز ۱۲ تیر، نوشته است: «آقـای [علی‌اکبر] ناطق‌نـوری آمد... دربـاره تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری پرسید که گفتم خود تبلیغاتی نـدارم. آقای [مسـیح] مهاجـری از روزنامه جمهوری اسـلامی آمد... برای همکاری درباره تبلیغات انتخابات اظهار آمادگی کرد. قرار شـد دفاتر روزنامه در سراسـر کشـور، مرجعی برای کنترل تبلیغات باشند. تذکر دادم از چـاپ و پخش عکـس و مصرف کاغذ و اسـراف در تبلیغات خودداری شود؛ گفتم هیچ گونه بودجه‌ای برای تبلیغات ندارم».

شش روز بعد شورای نگهبان تنها او و عباس شیبانی کـه مسـتقل در انتخابات دور پنجم ریاسـت‌جمهوری حضور پیدا کرده بود را برای نشسـتن بر کرسـی ریاست دولت تأییـد صلاحیت کرد که به قول هاشـمی جلوه انتخابات را گرفته بود. آیت‌الله در تاریخ ۱۸ تیر، نوشـت: «با آیت‌الله خامنه‌ای جلسـه کوتاهی داشتیم... قرار شد به شـورای نگهبـان توصیه کنیم که تعداد بیشـتری از نامزدهای ریاست‌جمهوری را ذی‌صلاحیت معرفی کنند که انتخابات جلوه بیشتری داشته باشد. امروز فقط من و آقای دکتر [عباس] شیبانی را صالح معرفی کرده‌اند». با این وجود او همچنان نیازی به تبلیغات فراوان نمی‌بیند: آقای [حسین] کمالی نماینده تهران و مسئول خانه کارگر آمد. اجازه خواست که خانه کارگر به نفع من تبلیغ کنند. با تبلیغ بدون اسراف موافقت کردم. مرتبا از سراسر کشور تقاضای تشکیل ستاد تبلیغات می‌رسد و جواب این است که تبلیغات ندارم. می‌خواهم که تکیه روی اصل شرکت در انتخابات باشد».

ششـم مرداد سـال ۶۸، انتخابات ریاست‌جمهوری هم‌زمان با آخرین رفراندوم برگزارشـده در کشـور یعنی «همه‌پرسـی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» برگزار شـد. آیت‌الله در خاطرات این روز نوشـته اسـت: [امروز انتخابات ریاست‌جمهوری بود]. در منزل بودم... عصر احمدآقا آمد. درباره اعضای کابینه مذاکره شد. برای رأی‌دادن به حسینیه جماران رفتم. خبرنگاران خارجی هم آمده بودند. قسـمتی از وقت را به تماشای تلویزیون و اسـتماع رادیو درباره اخبار جریان رأی‌گیری رفراندم قانون اساسی و انتخاب رئیس‌جمهور گذراندم. به نظر می‌رسد شرکت مردم در سطح مطلوبی است».

هاشـمی فردای آن روز نیز از میزان شـرکت مردم و نتیجه به‌دست‌آمده، رضایت دارد: «به مجلس رفتم. در گزارش‌ها مسئله انتخابات و همه‌پرسی در ایران در صدر است. شـرکت مردم در حد قابل قبولی است. در حدود انتخابـات خوب گذشـته و رأی من بالاتـر از ۹۵ درصد اسـت. موافق اصلاح قانون اساسی هم در حدود آرای من است. آمار قطعی فردا روشن می‌شود».

نتیجـه قطعـی انتخابـات اعـلام می‌شـود؛ ۱۶میلیون‌و۴۵۲هـزارو ۶۷۷ نفر یعنی حدود ۵۵ درصد رأی‌دهنـدگان در انتخابـات شـرکت کرده‌انـد و اکبـر هاشمی‌رفسـنجانی با ۱۵میلیون‌و۵۵۰هـزارو ۵۲۸ رأی حدود ۹۴ درصـد آرا را به خود اختصاص داده اسـت. عباس شیبانی تنها ۶۳۵هزارو ۱۶۵ رأی دارد.

حالا نوبت انتخاب کابینه اسـت. مرحوم هاشـمی در خاطره ۸ مـرداد خود نوشـته: «در گزارش‌ها توجه زیادی به انتخابات ایران شـده است. دکتر [سیدحسن] فیروزآبادی [رئیس ستاد کل نیروهای مسلح] برای امور نیروهای مسـلح آمد و درباره کابینـه نظراتی داد. آقای [مهدی] کروبی [رئیس مجلس شـورای اسلامی] آمد. درباره کابینه صحبت شـد. مایل بـود از تصمیمات من مطلع شـود. بنا دارم که تا آخرین لحظه، چیزی در مورد افراد نگویم».

سال ۷۲، سال رقیب‌تراشی

و این شـروع دولت اول هاشـمی بـود؛ پایان جنگ ایـران و عراق، آغاز کار دولت او برای بازسـازی و ترمیم کشور بود که به «دولت سـازندگی» معروف شد. چهار سـال بعد، او باید برای دومین بار از مـردم رأی اعتماد می‌گرفـت. آیـت‌الله حالا بـه دنبال رقیـب جدی‌تری نیـز در انتخابات بود اما شـاید این گمان را نداشـت که برخی سیاسـت‌های اقتصادی او بر مردم سخت آمده و ترجیح می‌دهند به سـمت رقیب بروند. او در خاطره ۱۲ اردیبهشت سال ۷۲ نوشته است: «آقای محمد غرضی، وزیر پسـت و تلگراف و تلفن آمد و برای کاندیداشدن در انتخابات ریاسـت‌جمهوری مشورت کرد. گفتم ما دنبال این هستیم که کسی به عنوان رقیب انتخابات در صحنه باشـد؛ اگر بتواند این نقش را داشته باشد، خوب است. جهات منفی را هم تذکر دادم».

او حتـی رقیب را نیز انتخاب می‌کنـد و قرعه به نام یکی از نزدیـکان هاشـمی می‌افتد؛ عبدالله جاسـبی. در خاطره ۱۴ اردیبهشـت آمده: «عصر شـورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت... با دکتر عبدالله جاسبی، رئیس دانشـگاه آزاد اسـلامی صحبت شـد کـه در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد شود تا صحنه بی‌رقیب نباشد... آقای عبدالله نوری وزیر کشـور هم تلفنی از خالی‌بودن صحنه از رقابت در انتخابات اظهار نگرانی کرد که گفتم، قرار شـده فردا دکتر جاسـبی اسم بنویسـد». اما رقیب اصلـی و جـدی او احمد توکلی، وزیر کار و سـخنگوی دولت اول میرحسـین موسوی اسـت که حضورش در انتخابـات را به هاشـمی اطلاع می‌دهـد و اتفاقا مورد تشـویق قرار می‌گیرد. آیت‌الله در خاطره ۱۸ اردیبهشت نوشـته اسـت: «آقای احمد توکلی آمد. درمورد علت نامزدشـدنش توضیح داد و درباره شیوه تبلیغ مشورت کرد. به خاطر کمک به جدی‌ترشـدن انتخابات و امکان رقابت انتخاب تشویقش کردم».

هشتم خرداد آن سال، مرحوم حسن حبیبی، معاون اول رئیس‌جمهور، نظرسـنجی‌ای به مرحوم هاشـمی نشان می‌دهد که احتمال پیروزی آیت‌الله را بیش از ۸۰ درصد نشان می‌دهد.

جناح راسـت حمایـت همه‌جانبـه‌ای از آیت‌الله هاشـمی دارد، او همچنـان روی تبلیغات حسـاس اسـت و ترجیح می‌دهد خرج زیـادی برای انتخابات نشود. هاشـمی در خاطره ۱۱ خرداد، ۱۰ روز مانده به روز رأی‌گیری نوشت: «در خیابان‌ها، جامعه روحانیت مبارز و خانه کارگر، عکس‌ها و پوسـترهای تبلیغاتی زیادی از من گذاشته‌اند؛ پیغام دادم که اسراف نکنند». او حتی به غلامحسین کرباسچی، شهردار وقت تهران می‌گوید تبلیغاتش را از تابلوهای تبلیغات شهرداری بردارند.

جناح چپ نیز برای معرفی هاشمی به عنوان گزینه ریاست‌جمهوری، مشکلات و اختلافات خود را دارند؛ او در ۱۳ خرداد نوشته اسـت: «آقای سیدمحمد هاشمی خبـر داد کـه در بین اعضای مجمع روحانیـون مبارز و به‌خصوص درمورد شرکت در تبلیغات انتخابات اختلاف افتاده که سـرانجام تعداد قابل توجهی از آنها تصمیم گرفته‌اند اعلامیه‌ای را برای امضای اشخاص منتشر کنند و من را تأیید نمایند. نصیحتشان کردم که به صلاحشان نیست، خودشان را از مسائل مهم جامعه کنار بکشند».

۲۱ خرداد، روز انتخابات فرا می‌رسـد. هاشـمی که گمان داشـت انتخابات را مانند چهار سال پیش، بدون رقیب و با اختلاف بالا پیروز شود، در روز انتخابات غافلگیر می‌شود: «امروز انتخابات ریاست‌جمهوری داشتیم. برای دادن رأی به حسـینیه جماران رفتیم. خبرنگاران زیادی جمع بودند. به چند سـؤال جواب دادم... ظهر بستگان میهمانمـان بودند... مقـداری از وقت را به تماشـای برنامه‌هـای تلویزیون برای گـزارش انتخابات گذراندم. مرتبـا با سـتاد انتخابات وزارت کشـور و هیئت اجرائی تماس داشـتم. برخلاف همه انتخابات‌های گذشته، این بار برای گرم‌ترشـدن انتخابات، به دست خودمان رقیب درسـت کرده بودیم. به نظر می‌رسـد مقـدار زیادی از آرای من از دست می‌رود؛ گرچه محتمل است برای جو رقابت، رأی‌دهنده بیشـتری داشته باشیم که همین جزء اهدافمان بود». او در ادامه از آمارهایی که پسرش آورده، می‌نویسد: «محسن پس از بازدید چند حوزه نظر داد که تقریبـا ۱۵ تا ۲۰ درصد از آرا را رقبا و باطله‌ها دارند. چند بار وقت انتخابات تمدید شد، برای اینکه مراجعه داشتند. آقای [عبدالله] نوری، آخر شـب اولین گزارش قرائت آرا را داد. به نظر می‌رسـد حدود سی‌وپنج درصد آرا از من نیسـت و رقبا بیش از حد انتظارمـان رأی آورده‌اند. در مناطق کُردنشین به آقای [احمد] توکلی رأی داده شده و لابد به خاطر مخالف‌خوانی‌های جدی است. از خاطرات جالب امروز، اظهارات علی فرزند فاطی اسـت که چون او را از رفتـن به لب بام نهـی کردم، رنجید و به مادرش گفته می‌خواهد به دکتر جاسبی رأی دهد، چون باباجون با او دعوا کرده! از بچه سه‌ساله اظهارات جالبی است».

دو روز بعد آمار انتخابات اعلام می‌شـود و هاشمی را پکر می‌کند: «آمار قطعی انتخابات اعلان شـد: ۶۳/۱ درصـد من و بقیه، سـه نفر دیگر؛ به نظـرم آرایم کم و تلخ اسـت... عصر در جلسه هیئت دولت شرکت کردم. بحث‌های زیـادی درباره انتخابات شـد؛ اکثرا عصبانی هستند. برای برنامه‌های آینده تصمیماتی اتخاذ شد».

در آن انتخابـات حـدود ۵۰ درصد واجدین شـرایط رأی‌دادن یعنـی ۱۶میلیون‌و۷۶۹هـزارو ۷۸۷ نفـر در انتخابات شـرکت کردند که ۱۰میلیون‌و۵۶۶هزارو ۴۹۹ نفر از آنها به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی رأی داده بودند. احمـد توکلی به عنـوان رقیب اصلی نیـز حدود چهار میلیـون رأی و حـدود ۲۳ درصد آرا را به دسـت آورد. عبدالله جاسبی حدود یک‌میلیون‌و ۴۰۰ هزار رأی آورد و رجبعلی طاهری ۳۸۷ هزار رأی.

انتخابـات سـال ۷۲ را می‌توان پایانی دانسـت بر انتخابات تک‌قطبی در کشـور، چنان‌که بعد از آن و در انتخابات ریاسـت‌جمهوری سـال ۷۶ و با شکل‌گیری دوقطبی «خاتمی- ناطق»، بیشتر انتخابات به این سو رفته اسـت. مرحوم آیت‌الله هاشـمی یک بار دیگر در سـال ۸۴ وارد گود انتخابات شـد. او با مهدی کروبی، مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده از اصلاح‌طلبان تأیید صلاحیت شـده و همچنیـن محمدباقر قالیباف و علـی لاریجانـی از اردوگاه اصولگرایـان و محمود احمدی‌نژاد شـهردار وقت تهران و اسـتاندار سـابق دولتـش بـه رقابـت پرداخت. هاشـمی بـا حدود شـش‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار رأی به همراه احمدی‌نژادی کـه پنج‌میلیون‌و ۷۰۰ هـزار رأی آورده بود به دور دوم انتخابات رفتند اما در نهایت هفت میلیون رأی از رقیب کمتر آورد و نتوانست بار دیگر به پاستور برگردد. هشت سال بعد، در سال ۹۲ مرحوم هاشمی‌رفسنجانی دوباره عزم خود را برای ریاست‌جمهوری جزم کرد اما این بار شـورای نگهبان او را تأیید صلاحیـت نکرد و آیت‌الله نتوانست رقیب هیچ کاندیدایی شود، هرچند با حمایت از حسـن روحانی و رأی مردم توانست تأثیر خود را در انتخابات نشان دهد.

مسعود پزشکیان خطاب به شورای نگهبان:

اشکال و نقص کار ما را علنی به مردم بگویید

در جامعه ما بی‌عدالتی در سیاست، فرهنگ و قومیت وجود دارد

شرق: مسعود پزشـکیان، داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ که صلاحیتش از سوی شورای نگهبان احراز نشد، خطاب به این شورا گفت: انصاف را در قبال آنهایی که دوسـت دارید و آنهایی که دوسـت ندارید رعایـت کنید. در جامعه مـا بی‌عدالتی در سیاسـت، فرهنگ و قومیت وجود دارد. ایران مال همه است، مال یک گروه و یک عده نیست. بعد از اعلام اسامی نامزدهای انتخابات ۱۴۰۰ روند بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسـط شـورای نگهبان با انتقادهای گسـترده‌ای مواجه شد. تـا جایی که سـیدابراهیم رئیسـی، رئیس قـوه قضائیه و نامـزد احراز صلاحیت‌شده که مهم‌ترین چهره در انتخابات پیش‌رو محسوب می‌شود نیز به آن واکنش نشان داد و در صفحه توییتر خود از تلاش‌هایش برای تأیید شمار بیشتری از نامزدها خبر داد؛ با این امید که به گفته او «صحنه انتخابات، رقابتی‌تر و مشارکتی‌تر شـود». مصطفی تاجزاده، دیگر نامزد رد صلاحیت‌شـده نیز با انتشار بیانیه‌ای گفت که شورای نگهبان او را «از حق قانونی خود برای کاندیداتـوری محروم» و انتخابات را «غیررقابتی و بی‌معنـا» کرد. علی مطهـری نیز در پیامی نوشـت: «از رد صلاحیت خـودم با وجود آنکه می‌دانم دلیل قانع‌کننـده‌ای ندارد می‌گذرم، اما از رد صلاحیـت آقای لاریجانی که همیشـه گوش‌به‌فرمـان نظام بوده و تجربه گران‌سنگی برای امروز جامعه ما داشت در حیرتم». اگرچه علی لاریجانی پس از رد صلاحیت، با انتشار بیانیه‌ای تصمیم شورای نگهبان را پذیرفـت و اعلام کرد که «راضی به رضای الهی هسـتم»، اما صادق آملی‌لاریجانی، برادر بزرگ‌تر او و رئیس پیشـین قـوه قضائیه، به انتقاد از عملکرد این شـورا پرداخـت و آن را غیرقابل دفاع دانسـت. هرچند در نهایت اکثر نامزدهای رد صلاحیت‌شـده به تصمیم شـورای نگهبان تمکین کردند، اما این به معنای پذیرش رد صلاحیت بدون ارائه توضیح و دلیل نبوده و نیست.

مسعود پزشکیان در گفت‌وگویی با «شرق» درباره تأثیر رد صلاحیت‌ها بـر روند انتخابات و اینکه اصولگرایان در شـرایط فعلـی خود را پیروز انتخابات می‌دانند، گفت: اگر در میدان مسـابقه اجازه ندهیم کسی بیاید و رقابـت ایجاد نشـود، هرکس بیاید برنده می‌شـود. اگر چنین جوی را درسـت کنند، برنده هستند و لازم نیسـت انتخاباتی هم برگزار شود. در

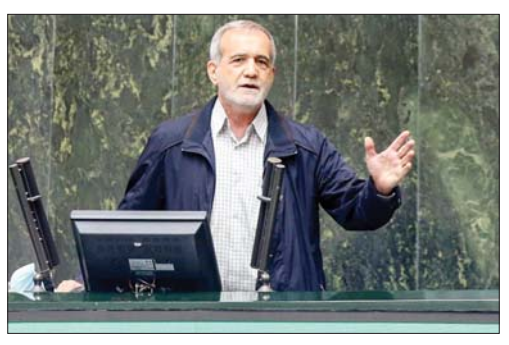

همین راسـتا و انتظار برای توضیح دلایل رد صلاحیت‌ها، نامزدهای رد صلاحیت‌شده را به واکنش واداشته و مسعود پزشکیان در جلسه علنی دیروز دوشنبه مجلس شـورای اسلامی در نطق میان‌دستور خود اظهار کـرد: حضرت علی (ع) بعد از به‌خلافت‌رسـیدن خطبـه‌ای می‌خواند و اظهـار می‌کند کـه «در مقابل حرف‌هایی که می‌گویـم، گردنم را گرو می‌گذارم. اگر اشـتباه گفتم، گردنم را بزنید». من به تبعیت از امام علی (ع)، گردنم را در مقابل حرف‌هایم گرو می‌گذارم.

نماینده مردم تبریز در مجلس و یکی از داوطلبان احراز صلاحیت‌نشده انتخابـات ریاسـت‌جمهوری ۱۴۰۰ درباره تصمیم‌های شـورای نگهبان گفت: پیش از هر چیزی از شـورای نگهبان تشـکر می‌کنم، چراکه لطف کرد و وظیفه سـنگینی از روی دوش ما برداشت. درعین‌حال از این شورا خواهش می‌کنم که به صورت شفاف اشکال و نقص کار ما را علنی کند و به جامعه و مردم بگویند. به‌عنوان یک اصلاح‌طلب براساس اقتدا به امـام علی (ع) می‌گویم که به دنبال دنیا نبودم، نیسـتم و نخواهم بود. این عضو کمیسیون بهداشت مجلس یازدهم اظهار کرد: وقتی انسان به دنبال دنیا نباشـد و تأسـف چیزی را که دنیا از او گرفت نخورد، جسارت این را دارد که حرف حق بزند و یار و یاور مظلوم باشـد. من همیشـه با مظلومـان بودم. هیچ وقت در جبهه قدرتمنـدان نبودم و نخواهم بود. این‌جانب نه مطب زدم، نه سـهمی دارم و هیـچ‌گاه دنبال پول، قدرت و مـال و منال نخواهم بود. شـورای محترم معیارها و ناهم‌خوانی ما با معیارها را اعلام کند. پزشـکیان با بیان اینکـه اصل بر عدالت و انصاف است، گفت: ما برای اینکه عدالت را پیدا کنیم، مجبور هستیم اصلاحات انجام دهیم. حضرت علی (ع) به مالک اشـتر می‌گوید دلیل درسـت و حق‌بودن حاکمیت، مردم هستند. اگر مردم ما را نپذیرند ما جزء صالحین نیسـتیم. ما باید در عمل نوکر مردم باشـیم نه اینکه فقط شعار خدمت سـر دهیم و هنگام انتخابات بگوییم اگر مردم نیامدند اشـکالی ندارد، عده‌ای رأی می‌دهند. این داوطلب انتخابات ریاسـت‌جمهوری ۱۴۰۰ که صلاحیتش هم‌زمان با علی لاریجانی و اسـحاق جهانگیری احراز نشد، تأکیـد کرد: رئیس‌جمهور بایـد تبلور تمام ملت ایران باشـد. انصاف را مراعات کنید. نماینده مردم تبریز در مجلس‌های دهم و یازدهم با اشاره به برخی بی‌عدالتی‌ها در جامعه تأکید کرد: اگر قرار اسـت که یک گروه حرف بزند، به گروه مقابلش هم اجازه حرف‌زدن بدهید. اگر قرار اسـت یک جناح در قدرت باشد، بگذارید همه جناح‌ها باشند. ایران برای همه است برای یک دسته نیست. وی گفت: بروید ارزیابی کنید و متوجه شوید که مردم پشـت سـر ما حرف‌های خوبی نمی‌زنند و ما مقصر هسـتیم. اگـر رفتارمان را اصلاح نکنیم، مملکت در خطر اسـت. او همچنین در سـخنانی که در زمان ثبت‌نام در انتخابات به زبان آورده بود نسـبت به خطرات موجود هشدار داده و از اجماع برای حمایت از یک نامزد مقبول مردم حمایت کرده و گفته بود: اگر در جبهه اصلاحات آن هم اصلاحات به معنای وحدت، هم‌صدایی و همدلی، نیروهایی که هسـتند به صحنه بیایند، در نهایت آن نظر مردم اسـت که تعیین‌کننده است. اگر اقبال به فردی بیشـتر از نفر دیگری باشد، باید به نفع آن کسی که رأی‌اش بیشتر اسـت کنار رفت. وی از مشـکلات امروز ایران نیز سـخن گفته و افزوده بود: اگر اف‌ای‌تی‌اف داخلی را اصلاح کنیم دیگر رانت‌خواران نمی‌توانند حضـور پیدا کنند و پول‌ها گم نمی‌شـود و امکان نـدارد گاهی ۷۰ هزار میلیارد تومان پول معلوم نیسـت به کجا رفته باشـد.پول‌ها را بردند و خوردند و ما نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده اسـت؛ ۱۰ هزار میلیارد، هشت هـزار میلیارد و هفت هـزار میلیارد تومان پول غیب می‌شـود و افتخار می‌کنیم که خوردند.

روزنه

سیدحسن خمینی:

نمی‌شود تو برای من منتخب معرفی کنی و بگویی به این رأی بده!

● **جماران:** حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در مراسم اختتامیه دهمین رویداد طریق جاوید گفت: دوستان انصاف داشته باشند؛ ببینند اگر آنچه واقع می‌شـود مطابق ذائقه آنها نبود همیـن مقدار صحبت می‌کردند؟ قسـط به چه معناسـت؟ عدالـت. آزادی هم عدالت اسـت. عدالت را تنزل‌دادن به عدالت اقتصادی، کُشـتن عدالت اسـت. البته عدالت را از حوزه اقتصادی خارج‌کردن نیـز دسـت‌بُردن در مفهوم عدالت است. آزادی یعنی عدالت سیاسی؛ آزادی یعنی همان مقدار که شما حق داری صحبت کنی من هم حق دارم؛ یا همان‌قدر که شما حق داری رأی دهـی من هم حق دارم. یعنـی همان اندازه که شـما حق داری نماینده خود را انتخاب کنی من هم حق دارم کسـی که دلم می‌خواهد انتخاب کنم. مـن نیز حق دارم آنی کـه دلم می‌خواهد انتخـاب کنم. البته هرکدام مـورد اقبال اکثریت واقع شـد محل اطاعت است. نمی‌شود تو برای من منتخب معرفی کنی و بگویی بیا و به این رأی بده! همان‌طور که نمی‌توانم من برای تو این کار را کنم. عدالت در حوزه اقتصادی نیز برای اینکه مارکسیستی معنا نشود، به معنای تساوی شرایط پیشرفت است. جامعه از این جهت وظیفه دارد و اتفاقـا در دوره‌هایـی از انقلاب این کار بسـیار خوب انجام شـده و در دوره‌هایی هم ضعیف‌تر بوده است.

یـادگار امـام گفـت: آرمان مـا بایـد توزیع فرصت‌های پیشـرفت باشد که یکی از آنها علم اسـت. زیرا یکـی از عوامـل پیشـرفت در هرم منزلت اجتماعـی دانش اسـت؛ توزیع فرصت دانش‌آموختن خود گام بزرگی است. حواسمان باشـد تنزل عدالت بـه حوزه عدالـت رفتاری، ناقـص معناکـردن عدالـت اسـت. عدالت در همه جنبه‌هایش آرمان ماسـت. البته هیچ‌کس معصوم نیست و ممکن است ما انسان‌ها هزاران اشتباه داشته باشیم. بحثی را که مطرح می‌کنم جای توجه دارد، چراکه مغالطه‌ای در سـخنان و گفته‌هـا مطـرح می‌شـود و آن اینکـه وقتی می‌گوییم رأی مردم دخالت در مشروعیت نظام اسلامی دارد، بلافاصله به ذهن برخی می‌آید که مشروعیت را خدا داده و این سخن مصداق شرک است و بگویند شما دارید مردم را در مقابل خدا می‌نشانید! وقتی گفته می‌شود نظام اسلامی دو بال دارد، یعنی اسـلام و مردم؛ عده‌ای می‌گویند این به آن معناست که خدا در کنار مردم است و هرگونه برداشت دیگری شرک است؛ درحالی‌که این‌طور نیست.

یـادگار امـام ادامـه داد: در قـول عامیانه می‌گویند «اول برادری‌ات را ثابت کن بعد ادعای ارث کـن»؛ این به آن معناسـت کـه قانون‌گذار الهـی گفته برادر ارث می‌برد و این جمله به این معناسـت که من اول بایـد بفهمم که تو برادرم هستی تا بعد ارث ببری. آیا معقول است همین که بگوییم بـرادر ارث می‌برد یک عـده بگویند خدا یکی برادر یکی. خدا گفته اسـت برادر ارث می‌برد، در اینجا برادری در عرض خدا نیست؛ لذا چنین سـؤالی به ذهن کسی نمی‌رسد. اگر کسی گفـت باید به فلانی ارث بدهید، شـما می‌گویید آخر هنوز برادری‌اش ثابت نشـده اسـت. اگر او بگوید برادربودن مهم اسـت یا خدا؟ بلافاصله می‌گوییـد چه ربطـی دارد؟ همـان خدایی که گفتـه این ارث را به برادرت بـده، گفته اول باید بـرادری‌اش را اثبات کنـد تا بتوانید بـه او ارث دهید. یـادگار امام اظهار کرد: اگر کسـی بگوید مردم دخیل در مشـروعیت هسـتند در حقیقت می‌گویـد ولایت برای موضوعی قرار داده شـده کـه عبارت اسـت از اینکه عالم بـه احکام دین باشـد (که به آن «فقاهت» می‌گوییم)، «مخالفا لهواء» باشـد یعنی عدالت داشـته باشد و سوم اینکه مردم او را قبول داشته باشند. آیا عدالت و فقاهت در عرض خداست که کسی رگ گردنش بیرون بزند و بگوید فقط خدا و فقاهت و عدالت نه؟ مشـروعیت ناشـی از فقاهت یعنی فقاهت داخـل در موضـوع اخذ شـده و قیـد موضوع اسـت. عدالت قید موضوع اسـت و همین‌طور پذیـرش مردم نیز قید موضوع اسـت. کمااینکه از نـگاه برخی رجولیت هم قید موضوع اسـت. او ادامـه داد: اینکه گفته می‌شـود حکومتی که اقبـال عمومی را ندارد مشـروع نیسـت، حکم خداست. لذا اگر کسی می‌گوید خروج جامعه از حیثیت تأثیرگذاری، مخالفت با مشروعیت است؛ این به آن معناسـت که او دارد قیدی از قیود را از موضوعیـت خارج می‌کند. مـا در طول تاریخ خود بسیار حاکمانی داشته‌ایم که فقیه نبودند و فاسق بوده‌اند و می‌گفتیم حکومتشان حکومت جور اسـت؛ چرا؟! به‌این‌دلیل که قید موضوع را نداشـته‌اند. وی بیان کرد: وقتی می‌گوییم اقبال عمومی و نظر جمهور کـه بر مبنای حکم عقل همان نظر اکثریت اسـت، شرط مشروعیت نظام اسـت و انتخابات مشروعیت‌سـاز اسـت از این جهت است که اقبال عمومی در منظر امام، جزء موضوع است. همان خدایی که گفته اگر فقیه و عادل و آگاه به زمان نیسـتی، ولایت نداری، قید پذیرش مردم را نیز قرار داده است.